



درس خارج فقه فرهنگ آیت الله اراکی رحمته الله علیه

عنوان درس:	فقه فرهنگ	جلسه ۱۲	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۱۰/۱۸
عنوان فرعی ۱	فقه خُرد فرهنگ			
عنوان فرعی ۲	انواع بیان			
عنوان فرعی ۳	نوع هفتم: بیان غزلی			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین زحمتکش			

بحث ما در بیان غزلی سروده شده در بیان عشق محمد و آل محمد علیهم السلام بود و گفتیم این از ادبیات عرب شروع شد و میدان دار اول کمیت بن زید اسدی بود و بعد سید حمیری و بعد دعبل خزایی و این رشته پیسوته شد و در قرون بعدی ادامه یافت؛ ابوتمامها آمدند؛ متنبیها آمدند، ابوفراس همدانیها آمدند. خدا رحمت کند مرحوم علامه امینی را که این رشته را در کتاب الغدیر احیا کرد. چون قصد تطویل و تفصیل نداریم، از شعر عربی فارق می شویم و به چند نمونه از شعر فارسی می پردازیم که از اوائل قرن چهارم و با گسترش معارف اهل بیت علیهم السلام در خطه ایران و همچنین گسترش ادبیات فارسی که عمدتاً در قرن سوم بود صورت گرفت که شخصیت هایی همچون فردوسی و سنایی نقش زیادی در ترویج ادبیات فارسی داشته اند.

فردوسی و بعد از او دیگران به عشق محمد و آل محمد علیهم السلام پرداخته اند لکن شخصی که در قرون اول بیشتر به این پرداخته، سنایی غزنوی است لذا ترجیح دادیم نمونه ای از شعر ایشان را ذکر کنیم. در رابطه با محبت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، سروده های زیاد و گسترده ای دارد، در جایی می گوید:

قدر شب های قدر از گل او	نور روز قیامت از دل او
حلقه حلقه ها به حلقه موی	شحنه شرعها به صحنه روی
راز حق پرده محارم او	نفس کل صورت مکارم او
عرش عشقش بر آسمان جلال	اصل و فرعش پُر از فنون و کمال
غرض گن ز حکم در ازل او	اول فکر و آخر العمل او

بوده اول به خلقت و صورت
قد او هرکه از مَهِی و بَهِی
و آمده آخر از پی دعوت^۱
سخره کردی به قَدّ سرو و سُهی
لون او ماه را چو گل کردی
بوی او مشک را خجل کردی
تا آنجا که می فرماید:

نفسی کز هوای عشقش خاست طاقت آن نفس ز خلق کراست
و همینطور ادامه می دهد و در وصف نبی اکرم ﷺ عاشقانه غزل سرایی می کند تا به مدح حضرت امیر علی علیه السلام
و حضرت زهرا علیها السلام و حسنین علیهم السلام؛ در مدح حضرت امیر علی علیه السلام ابیات بسیاری دارد؛ مثلاً می فرماید^۲:

مرتضایی که کرد یزدانش همره جان مصطفی جانش
تا ننگشاد علم حیدر در ندهد سنت پیمبر بر
دل هرکه از محبتش خالی است نه دل است آنکه زرق و محتالی است
این اشاره به نفاق و آن حدیث پیامبر است که می فرماید:

«حُبُّ عَلِيٍّ إِيْمَانٌ وَبُغْضُهُ نِفَاقٌ»^۳؛

جانب هرکه با علی نه نکوست هرکه گو باش، من ندارم دوست
هرکه او با علی است دین می دان ورنه چون نقش پارگین می دان

این ابیات نشان دهنده تشیع اوست؛ حال اینکه در این عصر و عصور دیگر، ابیاتی در مدح دیگران داشته اند، مقتضای زمان و تقیه بوده است و اگر این اشعار را نمی گفتند، نه تنها اشعارشان نمی ماند بلکه خودشان هم نمی ماندند و مورد کینه و غضب واقع می شدند و این همان دستوری است که ائمه اطهار علیهم السلام به ما دادند. اگر کسی به دستور ائمه علیهم السلام عمل کرده، نباید بگوییم او سنی است؛ این یک اشتباهی است که در قضاوت افراد صورت می گیرد.

۱. این نکته، نکته مهمی است و در ادبیات فارسی مکرر به آن اشاره شده و به گفته های دیگران در این زمینه خواهیم پرداخت؛ مانند نظامی که تعبیر قشنگی از این معنا دارد که می فرماید:

ای ختم پیمبران مرسل حلوائ پسین و ملح اول

۲. مقرر: ابیاتی که استاد از به نقل از سنایی در وصف امیرالمؤمنین علی علیه السلام ذکر می کنند، گزینشی در میان ابیات فراوان سنایی است و به این ترتیب در دیوان وجود ندارد.

۳. بحارالانوار؛ ج ۳۷، ص ۹۳.